



عناصر سینما

استفان شارف

ترجمه محمد شهبها و فریدون خامنه‌پور

نشر هرمس

استفان شارف در این کتاب که تحت عنوان «عناصر سینما» به چاپ رسیده، به عناصر ساختاری سینما، نگرشی شکل‌گرا دارد. هر چند آن را با ساختارگرایی نحوی نیز آمیخته است. شارف بیشتر بر ویژگی‌های شکلی نمادها و چگونگی پیوندشان به یکدیگر پرداخته است تا به معانی‌ای که از آن نماها برمی‌آید. وی به جای تأویل و تفسیر رویدادها به چگونگی نمایش آنها بر پرده توجه می‌کند و این امر را در گرو کاربرد درست عناصر ساختاری سینما می‌داند. وی هر چند سینما را نوعی زبان می‌داند اما همچون متز سینما را تقریباً همانند زبان کلامی نیز نمی‌پندارد.

کتاب شارف ضمن اشاره به اندیشه‌های برخی از نظریه‌پردازان سینما، در عین حال بیشتر کاربردی است و توجه شارف عمدتاً به کارکرد عملی عناصر ساختاری سینما به ویژه به کار کسانی خواهد آمد که در پی راه‌حلی برای دشواری عملی فیلم‌سازی هستند تا گفتمان‌های نظری. اما نکته‌های نظری که شارف آورده است کتاب را به تشریح نظریه‌ای عملی مانند کرده است. شارف سعی دارد تبیین کند که تأثیر زیبایی‌شناسی به ویژه سینما چه سرچشمه‌هایی دارد و سازوکارشان کدام است و می‌خواهد نشان دهد که بهترین جایی که می‌توان این سازوکار را سراغ کرد آثار بزرگان سینماست.

در مباحث کتاب، بنا بر موقعیت، تماشاگران مخاطب قرار گرفته‌اند و هنگامی که از ساختارهای سینمایی سخن به میان می‌آید منظور از مخاطب تماشاگرانی است که می‌توان درک و لذت بردن از آن ساختارها را دارند. توانایی تشخیص و پیگیری نحو سینما همچون توانایی ذاتی مربوط به زبان در نوع بشر عمومیت دارد. این توانایی ذاتی دلیلی است بر قدرت تماشاگران فیلم که از همان روزهای آغازین سینما پیگیری مجموعه‌ای از نماها و تصویرهای «منطبق» واقع بر رشته‌ای مشخص و درک نتیجه از آنها (جمله‌ها و پاراگراف‌های سینمایی) را میسر ساخت. بنابراین همان گونه که در پیش‌گفتار کتاب آمده سینما علاوه بر اینکه نوعی زبان است، می‌تواند مدعی شود که تنها شکل ارتباطی است که بر پایه‌ی تداوم ترکیبی استوار است؛ مجموعه‌ای از نشانه‌ها که چون بر طبق دستور زبان مرتب می‌شوند، معنا می‌یابند و در هر دو جنبه‌ی لغوی و احساسی به القای مفهوم می‌پردازند.

فصل‌هایی که جهت تحلیل برگزیده شده، نشانگر استفاده‌ی موفق از عناصر ساختار است اما تجزیه و تحلیل آنها لزوماً به معنای داوری انتقادی درباره‌ی کل فیلم نیست.

اصول مطرح شده در کتاب، تنها در مورد سینماست، اما هر رشته‌ی تصویری که بر پرده دیده شود و هم‌چنین تلویزیون را هم دربر می‌گیرد.

باور نویسنده آن است که سینما هنری در حال تکامل است که هنوز درگیر بحرانی ضد کلاسیک به مفهوم سبکی یا فلسفی نشده است. منطقی است اگر فرض کنیم سرانجام دوره‌ای کلاسیک در سینما تحقق خواهد یافت که پیامد آن همان تغییر و تحولاتی خواهد بود که تکامل و رشد سایر هنرها را مشخص کرده است. او معتقد است ضروری است که ابتدا ماهیت سینما، بدان گونه که امروزه می‌فهمیم، درک و فهمیده شود؛ زبان و نحو آن چیست؟ کتاب حاضر خود را مخاطب این پرسش می‌داند.